

مثال‌های قرآنی برای آموختن شاهراه دعا

یکی از عمیق‌ترین نیازهای فطری انسان نیاز ارتباط با خداوند است. رابطه تکوینی و فقر ذاتی انسان نسبت به خداوند، فطرت خداجوی انسان را اشباع نکرده و لذا انسان نیازمند ارتباطی اختیاری با خداوند است که جلوه‌ای از فقر ذاتی اوست. این ارتباط اختیاری که بالطبع متضمن گفت‌وگو با خداوند است، در دعا و نیایش تجلی و ظهور پیدا می‌کند.



یکی از عمیق‌ترین نیازهای فطری انسان نیاز ارتباط با خداوند است. رابطه تکوینی و فقر ذاتی انسان نسبت به خداوند، فطرت خداجوی انسان را اشباع نکرده و لذا انسان نیازمند ارتباطی اختیاری با خداوند است که جلوه‌ای از فقر ذاتی اوست. این ارتباط اختیاری که بالطبع متضمن گفت‌وگو با خداوند است، در دعا و نیایش تجلی و ظهور پیدا می‌کند.

تعریف هستی‌شناسانه نیایش: در تفسیر شریف المیزان اینگونه آمده است: «دعا آن است که از قلب برخیزد و زبان فطرت آن را طلب کند، نه اینکه زبان هر طور خواست حرکت کند. یعنی این معنا از دعا را انسان در باطن جان خود می‌شناسد و به‌طور روشن آن را می‌فهمد». ویژگی مهم این تعریف آن است که شامل دعای تکوینی نیز می‌شود، حال آن که هیچ یک از تعاریف دیگر چنین جامعیتی ندارند. از این رو علامه طباطبایی در ادامه می‌فرمایند: خداوند متعال حتی آنچه را که زبان در آن دخالت ندارد، سؤال برشمرده و در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ»، «از هر چیزی که از او خواستید (به خواست قوی یا عملی یا طبیعی) به شما عطا کرد، و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید شمار و حساب نتوانید کرد حقا که انسان سخت ستمگر و ناسپاس است». (سوره ابراهیم/۳۴).

بنابراین آن‌ها نعمت‌های الهی را که قابل شمارش نیست، با زبان ظاهری درخواست ننموده‌اند، بلکه با زبان نیاز و با زبان فطری و وجودی درخواست کرده‌اند.

خداوند متعال می‌فرماید: «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»، «هر که در آسمان‌ها و زمین است (به زبان قال و حال) از او درخواست می‌کند او هر روز و هر زمان در کاری است»، (سوره الرحمن/۲۹) و دلالت این آیه بر مطلوب بسیار واضح و روشن است.

نیایش در قرآن

بی‌تردید یکی از مبانی اصیل و قابل اهمیت در منظومه فکری مسلمانان، قرآن کریم است. زیرا در بین منابع موجود در فرهنگ اسلامی و دینی‌مان از جمله مواردی است که هیچ شک و ریبی در آن راه ندارد. به نحوی که در وهله اول روبرو شدن با آن شخص تسلیم شده و از صفر تا صد آن موضوع مطرح شده را می‌پذیرد. قرآن به علل نقلی و عقلی موجود در مکتب شیعه، مملو از حقایقی است که هیچ‌گونه تردیدی در آن راه ندارد. این کلام الهی با بیان آیاتی گوناگون پرده از مقام رفیع نیایش در دستگاه الهی بر می‌دارد و با آوردن مثال‌هایی گوناگون از انبیا و صلحا، راه و روش درست دعا کردن را می‌آموزد و از سویی دیگر با آیاتی متنوع جایگاه دعاکننده و دعاشونده و چگونگی این ارتباط را به‌خوبی به تصویر می‌کشد. در کل فرهنگ پربار قرآن کریم سرشار از نیایش با خدا و ثنا و ستایش اوست.

قبل از ورود به بحث تخصصی نیایش، بیان این موضوع مهم خالی از لطف نیست که قرآن کریم در جهت هدایت انسان‌ها به رغم تنوع بیان‌ها و گوناگونی زمینه‌هایی مانند تشریع، قصص، انذار و تبشیر، بیان معارف و... سه محور را همیشه مورد تأکید قرارداده و دیگر مسائل همه مقدمات یا پیامدهای این سه مطلب به‌شمار می‌آید.

۱- حضور خداوند در همه ارکان و جهات هستی. این حقیقت که در واقع بیانی واضح از فلسفه توحید افعالی می‌باشد، در آیات بیشماری از کتاب الله مورد توجه و عنایت قرار گرفته است. در نظر قرآن، خداوند همچنان که خالق است، مربی نیز می‌باشد، او نه تنها آفریدگار بلکه پروردگار نیز می‌باشد. گسترش و دامنه ربوبیت آن ذات اقدس بی‌نهایت بوده و این بسطی بی‌مرز است که با وصف اطلاق هیچ قیدی برایش متصور نمی‌باشد. نه تنها از کار جهان فارغ نشده است، بلکه «...كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»، «...هر زمان او در کاری است»، (سوره الرحمن/۲۹)، یعنی هر روز او را شأنی از تدبیر امور عالم است. و یا در جای دیگری از قرآن کریم این امر به وضوح آمده است «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ تَوْفَكُونَ»، «این است خداوند، پروردگار شما که آفریننده همه چیز است هیچ معبودی جز او نیست با این حال چگونه از راه حق منحرف می‌شوید»، (سوره غافر/۶۲) و در نهایت این نگاه در این آیه به اوج خود می‌رسد که همه چیز را حتی اراده آدمی به‌عنوان موجودی مختار باز به خداوند باز می‌گرداند «وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»، «و شما اراده نمی‌کنید مگر اینکه خداوند - پروردگار جهانیان - اراده کند و بخواهد»، (تکویر/۲۹) در دیدگاه قرآن کریم، از انسیان گرفته تا جنیان و ملائکه، از زمین تا آسمان، از چیرگی تاریکی تا شکافتن ظلمت شب در سپیده دم و در نهایت همه جهانیان و عوالم، تحت ربوبیت و پروردگاری آن ذات مقدس است.

۲- ضرورت عبودیت و تسلیم. با توجه به مطالب فوق ناخودآگاه این حقیقت روشن می‌شود که با توجه به گستره بی‌نهایت ربوبیت الهی، ما کار و وظایفی جز عبودیت و اطاعت نداریم. نیایشگر، در هنگام نیایش، خود را در گفت‌وگوی با چنین معبودی می‌بیند که در هر زمان و مکان، جلوه‌گری نام‌های بلند و عالی او پیداست. این حقیقت اینگونه در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)»، (سوره ذاریات/۵۶).

۳- ضرورت پرهیز از معصیت خداوند. متابعت از هوای نفس و شیطان به عنوان مهم‌ترین خاستگاه لغزش و انحراف انسان در مسیر عبودیت تقواست که قرآن گاه با عنوان دنیاگرایی و با تعبیراتی همانند حب دنیا، اطمینان کردن به دنیا، رضایت به دنیا و امثالهم یاد می‌کند و گاه به عنوان پرهیز از خطوات شیطان و نهی از دوستی با شیطان به عنوان برترین مصداق دنیاگرایی و مهم‌ترین عوامل سقوط نام می‌برد. این موارد یاد شده را می‌توان به وفور در قرآن کریم مشاهده کرد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ»، «ای مردم! وعده خداوند حق است مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد، و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد»، (سوره فاطر/۵) البته خداوند متعال انسان را در این پهنای پنهان نگذاشته و به او تذکر می‌دهد که در حین مواجهه با نفس اماره و شیطان باز به خود او پناه برد. زیرا اوست که بهترین شنندگان و بهترین یاری‌کنندگان است. «وَمَا يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ تَزُغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»، «و اگر دمدمه‌ای از شیطان تو را از جای درآورد پس به خدا پناه ببر که او خود شنوای داناست»، (سوره فصلت/۳۶) لذا افزون بر آنکه طلب، دعا و تمنا موجب می‌گردد تا از غیب وجود امری ظاهر گردد و شیئی تعین پذیرد، ولی سائل و داعی باید به تمام هویت، حافظ مقام عبودیت و به تمام وجود متوجه مبدأ بوده باشد.